



## نگاهی به یک گزارش جهانی در مورد مشارکت اقتصادی زنان

(ترجمه و تنظیم: طیبه اسدی)

انگلستان و ایرلند نیز جزء ۱۰ کشور پیشرفته دنیا از این نظر قرار دارند. در میان کشورهای آسیایی هم فیلیپین تنها کشوری است که در رده‌های بالا قرار دارد. کشور آفریقای جنوبی نیز در بین کشورهای آفریقایی بهترین وضعیت را دارد. اما علیرغم نگرانی‌های بین‌المللی و نیز تلاش‌های جهانی برای دستیابی به برابری جنسیتی بر اساس این گزارش هنوز به کارگیری ابزارهای منظم و قاعده‌مند برای از میان بردن نابرابری جنسیتی محدود است.

گزارش مجمع جهانی اقتصاد بسیار دقیق و بر اساس شاخص‌های مهمی تدوین شده است. نشانه دقیق بودن گزارش را می‌توان از نوع و روند تهیه و تدوین آمار و اطلاعات مربوط استنباط کرد. به طور مثال ۳ مفهوم بنیادین زیربنای گزارش شکاف جنسیتی را تشکیل می‌دهد. اول این که گزارش بر نابرابری‌هایی تکیه می‌کند که قابل سنجش و اندازه‌گیری اند تا شکاف‌های جنسیتی در دسترسی به منابع و فرصت‌ها مورد سنجش قرار بگیرد؛ به جای اینکه صرفاً مقدار و میزان منابع و فرصت‌های موجود را برای هر دو جنس اندازه‌گیری نماید. به دلیل این که منابع و فرصت‌های موجود ممکن است به دور از دیدگاه‌های جنسیتی و به اندازه کافی در کشورها موجود باشد اما مهم این است که چقدر دولت‌ها در استفاده از آنها برای هر دو جنس زمینه‌ها و امکانات مهم را در نظر گرفته باشند. به طور مثال در حوزه آموزش، شکاف جنسیتی میان زنان و مردان در امر ثبت نام مورد بررسی قرار می‌گیرد به جای این که سطوح کلی آموزش مورد نظر باشد.

دوم این که شاخص‌ها را بر اساس نتایج و نه بر مبنای ابزار و فعالیت‌ها اندازه‌گیری می‌کند. لذا کشورها بر مبنای شاخص‌های قابل ارزیابی برون داد (نتایج) و نه فعالیت‌ها و اقدامات درون داد (فعالیت‌ها) ملاحظه می‌شوند تا تصویر عینی و دقیقی تری از وضع و موقعیت زنان و مردان در ۴ حوزه مورد نظر

«برابری جنسیتی صرفاً یک موضوع زنانه نیست بلکه مشارکت فعال مردان هم در دستیابی به این برابری از نقش مهمی برخوردار است به دلیل این که برابری جنسیتی یک موضوع حقوق بشری و یک پیش شرط و شاخص مهم در توسعه پایدار انسان محور نیز هست.»

گزارش شکاف جنسیتی در سال ۲۰۰۶ دومین گزارشی است که مجمع اقتصاد جهانی به عنوان مبنای برای اندازه‌گیری شکاف جنسیتی در حوزه‌های اقتصاد، بهداشت، آموزش و سیاست در میان کشورهای جهان تهیه کرده است. این گزارش بر اساس یک متدولوژی منحصر به فرد و جدید تهیه و تلاش شده با استفاده از آمار و اطلاعات موثق سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان جهانی کار و گزارش توسعه انسانی ملل متحد میزان برابری میان زنان و مردان در ۱۱۵ کشور دنیا از جمله همه کشورهای اروپایی، ۲۰ کشور آمریکای لاتین و کارائیب، ۲۰ کشور واقع در صحرای آفریقا و ۱۰ کشور عرب دنیا و دیگر کشورهای آسیایی اندازه‌گیری نماید. این ۱۱۵ کشور ۹۰ درصد جمعیت دنیا را به خود اختصاص می‌دهند.

در مقدمه این گزارش آمده است:

نابرابری جنسیتی پدیده‌ای است که در اغلب فرهنگ‌ها، مذاهب، ملت‌ها و گروه‌های درآمدی مشهود است و نشان خود را در مسئولیت‌هایی که برای زنان و مردان در نظر گرفته شده‌اند، وظایفی که بر دوش دارند، دستیابی و کنترل آنها بر منابع و فرصت‌های تصمیم‌گیری بر جای گذاشته‌اند. بر مبنای این گزارش هنوز هیچ کشوری در دنیا نتوانسته است از میان بردن شکاف جنسیتی را به درستی مدیریت کند. تنها می‌توان به کشورهای اسکانديناوی اشاره کرد که بهترین پیشرفت را در این زمینه داشته‌اند که باز هم توانسته‌اند بر ۸۰ درصد شکاف جنسیتی در کشورهای خود فائق شوند. علاوه بر این کشورها آلمان،

گزارش و البته مرتبط با شاخص‌های قابل سنجش برون داد فراهم شود. به طور مثال در این بخش میزان پست‌ها و مشاغل دارای مهارت بالا مانند قانون‌گذاری، تخصص بالا و مدیریتی که در اختیار زنان و مردان است، مورد بررسی قرار می‌گیرد و نه به طور مثال طول مدت مرخصی دوران شیردهی.

و سوم این که کشورهای مورد نظر در این گزارش بر حسب برابری جنسیتی و نه توانمند سازی زنان مورد بررسی قرار گرفته‌اند. یعنی کاهش شکاف میان زنان و مردان در شاخص‌های انتخاب شده (آموزش، بهداشت، اقتصاد و سیاست) مورد نظر است نه این که زنان در نبرد میان جنس‌ها چطور با توانمند شدن توانسته‌اند در شاخص‌های مورد نظر گزارش بر مردان غلبه پیدا کنند. به طور کلی آنچه بیشتر از همه در گزارش لحاظ شده اقدامات ایجابی و سلبی دولت‌ها برای ایفای تعهدات خود در ایجاد برابری جنسیتی است. نه این که زنان چقدر برای کسب حقوق و فرصت‌های برابر تلاش کرده‌اند. به علاوه هر حوزه با شاخص‌های مورد نظر آن زیر گروه‌های دیگری را نیز در بر می‌گیرد. به طور مثال در بحث مشارکت اقتصادی ۳ مفهوم شکاف مشارکتی، شکاف پاداش و شکاف مزایا نیز مورد ملاحظه قرار گرفته‌اند. علاوه بر این مقیاس‌های کلی که در گزارش مذکور در ارتباط با نابرابری جنسیتی مورد استفاده قرار گرفته‌اند، ۳ نوع است:

مقیاس توسعه جنسیتی (GDI) که شاخص‌هایی مانند امید به زندگی در بدو تولد، سوادآموزی بزرگسالان همراه با نرخ ثبت نام در مقطع متوسطه، درآمد به دست آمده توسط افراد را مورد توجه قرار می‌دهد. این مقیاس برای کشوری به کار رفته است که نابرابری میان زنان و مردان در ۳ دسته کاهش یافته است. این مقیاس در همه کشورهای گزارش مورد ارزیابی قرار گرفته است.

\* مقیاس توانمندسازی جنسیتی (GEM) که ۳ مفهوم را برای اندازه‌گیری توانمندسازی زنان و مردان مورد استفاده قرار داده است مانند مشارکت زنان در سطوح بالای تصمیم‌گیری سیاسی (سهم زنان از کرسی‌های زنان)، دسترسی زنان به فرصت‌های حرفه‌ای و شغلی (میانگین سهم زنان از مشاغل کارشناسی و تخصصی، مدیریتی و درصد سهم آنها از شغل‌های فنی و حرفه‌ای و سوم قدرت درآمدی زنان) با اندازه‌گیری درآمد حاصله آنها (این مقیاس برای ۸۰ کشور مورد استفاده قرار گرفته است).

\* مقیاس نهادهای اجتماعی (GID) که اطلاعات مربوط به نهادهای اجتماعی و حقوقی که تهیه آنها به طور سنتی امکانپذیر نیست، را جمع‌آوری

کرده است. در این بخش نرم‌ها، قوانین، سنت‌هایی که تأثیر مهمی بر نابرابری‌های جنسیتی دارند مورد بررسی قرار می‌دهد. مقیاس‌های اجتماعی متشکل از ۴ دسته بندی است: قوانین خانواده، تمامیت جسمانی، آزادی‌های مدنی و حقوق مالکیت. در هر کدام از این دسته‌ها مسائلی مانند ازدواج زودرس، تعدد زوجات، اعمال قدرت والدین در ارث، آزادی جابجایی و وجود قوانین مجازات‌کننده اعمال خشونت آمیز علیه زنان. این مقیاس برای همه کشورها به کار رفته است. ۴ حوزه مهمی که در این گزارش در زمینه شکاف جنسیتی مورد بررسی قرار گرفته‌اند عبارتند از بهداشت، سیاست، آموزش و اقتصاد. به دلیل موضوع مورد بحث این شماره حقوق زنان مناسب دیدیم که فقط در حوزه اقتصاد به گوشه‌ای از آمار و اطلاعات این گزارش که در جای خود موثق است اشاره کنیم

مجموع آنها ۵۰ درصد از شکاف جنسیتی را از میان ببرند. البته کشورهای اقیانوسیه و ۱۵ کشور اروپایی توانسته‌اند ۷۰ درصد شکاف را بپوشانند. بعد از آن آمریکای شمالی، کشورهای واقع در اروپای مرکزی ۶۵ درصد و سپس آسیا، صحرای آفریقا و کشورهای خاورمیانه کم‌تر از ۵۰ درصد شکاف میان زنان و مردان را از میان برده‌اند. اما میانگین کلی ۱۱۵ کشور دنیا ۵۰ درصد است یعنی این که زنان تهنیمی از فرصت‌ها و منابع موجود را نسبت به مردان در اختیار دارند.

جالب این است که رتبه اول مشارکت اقتصادی زنان اختصاص به کشور تانزانیا دارد. یعنی این کشور توانسته است شکاف جنسیتی را در حوزه اقتصاد و با در نظر گرفتن زیر شاخص‌های آن از میان ببرد. در میان کشورهای سوئد، نروژ، فنلاند، دانمارک و ایسلند که با ۸۰ درصد برابری جنسیتی در رأس همه کشورها قرار دارند، سوئد تنها

### جدول شماره ۱: ساختار راهنمای شکاف جنسیتی سال ۲۰۰۶

منابع	شاخص‌ها	زیر گروه و مشارکت و فرصت‌های اقتصادی
سازمان بین‌المللی کار و شاخص‌های کلیدی بازار کار در سال ۲۰۰۵	نرخ مشارکت اقتصادی نیروی کار زنان	فرصت‌های اقتصادی
مجمع اقتصاد جهانی، راهنمای اجرایی در سال ۲۰۰۶	وزن برابری زنان و مردان برای کار مشابه	
گزارش توسعه انسانی سازمان ملل در سال ۲۰۰۵ و آخرین اطلاعات موجود سازمان بین‌المللی کار، اطلاعات آن لاین سایت LABORS...	شاخص: تخمین میزان درآمد زنان	مشارکت و فرصت‌های اقتصادی
	شاخص: قانونگذاران زن، کارشناسان عالی و مدیران	

کشوری است که حداقل در حوزه سیاست زنان برابر با مردان به مشاغل و سطوح بالای سیاسی و پست‌های وزارتی دسترسی دارند چرا که برای اولین بار در دنیا زنان سوئدی دارای حق رأی دادن شدند. در حوزه مشارکت اقتصادی و فرصت‌های برابر نیز این کشورها در صدر جدول گزارش قرار دارند و زنان حداقل یک سوم مشاغل حرفه‌ای و تخصصی و نیز کارشناسان ارشد را در اختیار دارند. در حالی که سوئد و نروژ بیشترین مرخصی دوران بارداری و نیز مزایای مرتبط با آن را برای زنان فراهم کرده‌اند در عین حال که بیشترین مشارکت اقتصادی و نیروی کار زنان را نیز به خود اختصاص داده‌اند.

پس از کشورهای اسکاندیناوی ۱۱ کشور عضو اتحادیه اروپا در ۲۱ موقعیت بالای جدول قرار دارند. در میان این کشورها نیز آلمان، انگلیس و ایرلند نسبت به همسایگان خود از وضعیت بهتری برخوردارند. با این حال سطح مشارکت اقتصادی زنان آلمانی این کشور را در رتبه سی و دوم قرار می‌دهد. نکته جالب

به علاوه مطالعه آن را به همه علاقه‌مندان و فعالان حوزه زنان توصیه می‌کنیم.

مشارکت اقتصادی زنان طبق این گزارش با ۳ زیر گروه دیگر تحت عناوین شکاف مشارکتی، شکاف پاداش و شکاف مزایا اندازه‌گیری شده است. شکاف مشارکتی با اختلاف نرخ مشارکت نیروی کار، شکاف پاداش با نرخ درآمد حاصله زنان نسبت به مردان و شکاف مزایا با وزن برابری زن و مرد در کار مشابه مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در نهایت شکاف میان پیشرفت زنان و مردان با دو نوع آمار و اطلاعات مربوط به نرخ زنان نسبت به مردان در میان قانونگذاران و کارشناسان عالی و نرخ زنان نسبت به مردان در میان کارگران حرفه‌ای و فنی محاسبه شده است. ستون امتیاز کلی نشان دهنده رتبه کلی کشورها در ۴ حوزه مورد نظر گزارش است. مثلاً کشور سوئد در هر ۴ حوزه امتیاز ۱ و در مشارکت اقتصادی رتبه ۹ را کسب کرده است. اما بر اساس این گزارش تاکنون کشورها در مشارکت اقتصادی زنان توانسته‌اند در

## جدول شماره ۲: رتبه‌بندی کشورها از نظر میزان مشارکت و فرصت‌های اقتصادی زنان

رتبه مشارکت اقتصادی زنان	کشور	امتیاز کلی	رتبه مشارکت اقتصادی زنان	کشور	امتیاز کلی	رتبه مشارکت اقتصادی زنان	کشور	امتیاز کلی
۱	سوئد	۲۰	۱۳	تایلند	۲۰	۹	سوئد	۲۰
۲	نروژ	۲۱	۸۲	آرژانتین	۲۱	۱۱	نروژ	۲۱
۳	فنلاند	۲۲	۲۱	مغولستان	۲۲	۸	فنلاند	۲۲
۴	ایسلند	۲۳	۶۱	لسوتو	۲۳	۱۷	ایسلند	۲۳
۵	آلمان	۲۴	۵۰	لهستان	۲۴	۳۲	آلمان	۲۴
۶	فیلیپین	۲۵	۵۶	تیرینیداد	۲۵	۴	فیلیپین	۲۵
۷	نیوزلند	۲۶	۳۰	رومانی	۲۶	۱۴	نیوزلند	۲۶
۸	دانمارک	۲۷	۲۸	اوگاندا	۲۷	۱۹	دانمارک	۲۷
۹	انگلیس	۲۸	۲۴	اوکراین	۲۸	۳۷	انگلیس	۲۸
۱۰	ایرلند	۲۹	۲۲	روسیه	۲۹	۴۷	ایرلند	۲۹
۱۱	اسپانیا	۳۰	۲۳	سلوواکی	۳۰	۸۵	اسپانیا	۳۰
۱۲	هلند	۳۱	۳۴	اسلونی	۳۱	۵۱	هلند	۳۱
۱۳	سریلانکا	۳۲	۲۶	قرقیزستان	۳۲	۸۴	سریلانکا	۳۲
۱۴	کانادا	۳۳	۵۲	چک	۳۳	۱۰	کانادا	۳۳
۱۵	استرالیا	۳۴	۴۱	گرجستن	۳۴	۱۲	استرالیا	۳۴
۱۶	کرواسی	۳۵	۴۸	مجارستان	۳۵	۲۲	کرواسی	۳۵
۱۷	مولدوای	۳۶	۷۶	لوکزامبورگ	۳۶	۲	مولدوای	۳۶
۱۸	آفریقای جنوبی	۳۷	۶۶	ونزوئلا	۳۷	۷۹	آفریقای جنوبی	۳۷
۱۹	لاتوی	۳۸	۵	غنا	۳۸	۲۰	لاتوی	۳۸
۲۰	بلژیک	۳۹	۷۸	دومینیک	۳۹	۵۴	بلژیک	۳۹
۲۱	لیتوانی	۴۰	۸۶	پرو	۴۰	۱۵	لیتوانی	۴۰
۲۲	کلمبیا	۴۱	۲۸	آلبانی	۴۱	۳۹	کلمبیا	۴۱
۲۳	آمریکا	۴۲	۱۰۱	نیکاراگوئه	۴۲	۳	آمریکا	۴۲
۲۴	تانزانیا	۴۳	۵۳	چین	۴۳	۱	تانزانیا	۴۳
۲۵	جامائیکا	۴۴	۸۰	پاراگوئه	۴۴	۷	جامائیکا	۴۴
۲۶	سوئیس	۴۵	۴۵	سنگاپور	۴۵	۱۸	سوئیس	۴۵
۲۷	اتریش	۴۶	۲۶	اروگوئه	۴۶	۸۱	اتریش	۴۶
۲۸	مقدونیه	۴۷	۶۳	برزیل	۴۷	۳۱	مقدونیه	۴۷
۲۹	استونی	۴۸	۶۷	اندونزی	۴۸	۲۷	استونی	۴۸
۳۰	کاستاریکا	۴۹	۷۰	یونان	۴۹	۸۹	کاستاریکا	۴۹
۳۱	پاناما	۵۰	۸۸	فرانسه	۵۰	۴۴	پاناما	۵۰
۳۲	قزاقستان	۵۱	۹۱	مالت	۵۱	۱۶	قزاقستان	۵۱
۳۳	پرتغال	۵۲	۶۸	مالزی	۵۲	۳۳	پرتغال	۵۲
۳۴	بوتسوانا	۵۳	۴۰	کینیا	۵۳	۲۳	بوتسوانا	۵۳
۳۵	اسرائیل	۵۴	۹۹	هندوراس	۵۴	۲۶	اسرائیل	۵۴
۳۶	ازبکستان	۵۵	۹۸	مکزیک	۵۵	۶	ازبکستان	۵۵
۳۷	بلغارستان	۵۶	۶۲	زیمبابوه	۵۶	۵۸	بلغارستان	۵۶
۳۸	نامیبیا	۵۷	۸۷	ایتالیا	۵۷	۵۷	نامیبیا	۵۷
۳۹	السالوادور	۵۸	۹۰	شیلی	۵۸	۷۳	السالوادور	۵۸

میان زیر شاخص‌های مشارکت اقتصادی؛ در حالی که مشارکت نیروی کار زنان نسبت به مردان ۵۲ درصد است، میزان درآمد زنان نسبت به مردان بر حسب دلار آمریکا تنها ۲۸ درصد بوده و تنها ۱۵ درصد از کارشناسان عالی، قانونگذاران و مدیران کشور را تشکیل می‌دهند با این حال ۴۹ درصد از نیروی کار حرفه‌ای و متخصص کشور هستند. اما مهمترین بخش گزارش وقتی است که به بررسی دلایل پیشرفت یا عدم پیشرفت کشورها دراز میان بردن شکاف جنسیتی می‌پردازد. به زعم تهیه کنندگان این گزارش تکنولوژی، مهارت و ابتکار عمل از عوامل مهم استقرار برابری جنسیتی به‌شمار می‌رود. در واقع این استفاده مطلوب و یا نامطلوب از سرمایه انسانی است که می‌تواند زیربنای رقابت اقتصادی را فراهم سازد. به‌طور مثال آمارها نشان می‌دهند افزایش حضور زنان در انجمن‌های کاری سهم قابل توجهی را در رشد اقتصاد چین داشته است. همچنین مطالعات نشان می‌دهند که ارتباط میان برابری جنسیتی در محل‌های کار و بازدهی آن نشان دهنده ارتباط میان تنوع جنسیتی در تیم‌های رهبری و نتایج مالی این مشارکت است. به علاوه آموزش دختران بر بهداشت، تغذیه، درآمد، پس انداز و سرمایه‌گذاری خانواده‌ها، نیروی کار زنانه و دستاوردهای آموزش نسل‌های بعدی نیز بسیار تأثیر گذار است. اما... هنوز هیچ کشوری به برابری جنسیتی کامل در ۴ حوزه مهم آموزش، بهداشت، مشارکت سیاسی و اقتصادی کامل دست نیافته و نتوانسته شکاف جنسیتی را به‌طور کامل از میان ببرد. مثلاً اگرچه کشورهای اسکانندیناوی به برابری سیاسی زنان و مردان به‌طور مطلوب دست یافته‌اند اما این برابری هنوز در مجامع اقتصادی محقق نشده است.

\*\*\*

**یافته‌ها:** اهمیت روز افزون منابع انسانی و نقش زنان در توسعه پایدار مدت‌های زیادی است که مورد توجه اندیشمندان قرار گرفته است. به‌طور مثال آمارتیا سن به نقش فاعلی زنان نظیر توانایی کسب درآمد مستقل، داشتن شغل بیرون از خانه و... تأکید کرده و آن را عامل عمده‌ای در کاهش نابرابری جنسیتی و بهبود موفقیت زنان و ایجاد توسعه همه جانبه و پایدار می‌داند. اغلب نظریه پردازان نابرابری اقتصادی را متشابه کلی نابرابری جنسیتی می‌دانند به خصوص در چارچوب خانواده که نابرابری و تداوم آن وابسته به فعالیت جنسیتی هر کدام از زوجین است فعالیت‌هایی که خود تابعی از ابزار سرکوب و ثروت مادی است. بنابراین تعادل و توازن قدرت در تصمیم‌گیری‌ها معمولاً به نفع کسی است که منابع و امکانات بیشتری را به‌کار می‌آورد. ارقام و آمار نشان می‌دهد پاهلی که بیش‌ترین ساعات کاری در جهان

کشورهای دنیا دارند. در حالی که آمریکا رتبه شصت و ششم مشارکت سیاسی را با ۵۵ درصد حضور زنان در مجلس و ۱۴ درصد اشتغال پست‌های وزارتی دارد. در میان کشورهای خاورمیانه کویت است که گوی سبقت را در ارتباط با باز میان بردن نابرابری جنسیتی با امتیاز کلی ۸۶ و رتبه ۷۲ در حوزه اقتصاد برده است. اسرائیل نیز رتبه سی و ششم را در دنیا دارد. اما امتیاز کلی کشور ایران از حوزه کشورهای آسیایی ۱۰۸ از ۱۱۵ کشور دنیا است و در حوزه مشارکت اقتصادی ایران باز هم پائین تر است وقتی که رتبه ۱۱۳ از میان ۱۱۵ کشور دنیا را به خود اختصاص داده است. گزارش نشان می‌دهد که در

این است که فرانسه رتبه هفتاد و ایتالیا هفتاد و هفت جدول را دارند. یعنی حتی میزان شکاف جنسیتی در این کشورها در حوزه اقتصاد پائین تر از کشورهای مانند یونان و لیتوانی است. روسیه با این که به‌طور کلی در مقام چهارم و دوم قرار دارد اما در حوزه مشارکت اقتصادی تقریباً وضعیت بهتری را نسبت به بسیاری از کشورهای اروپایی دارد و دارای مقام بیست و یکم جدول است در حالی که تنها ۱۰ درصد از صندوق‌های مجلس در اختیار زنان روس است.

کشور آمریکا در مقام بیست و سوم و کانادا در جایگاه چهاردهم اند اما به ترتیب رتبه در حوزه مشارکت اقتصادی رتبه سوم و دهم را در میان

۶۷ درصد و متعلق به زنان است اما زنان تنها ۱۰ درصد از درآمد جهان را کسب می کنند و به عبارتی کمترین کنترل را بر سرمایه و تکنولوژی دارند. از این رو برخی زنان را متعلق به جهان چهارم دانسته اند یعنی در مجموع فقیرترین فقرا. اما یکی از نکات جالبی که از مطالعه نسبتاً دقیق گزارش مجمع جهانی اقتصاد در سال ۲۰۰۶ به نظر می رسد این است که میزان حضور زنان در عرصه اقتصاد و نیز دسترسی به فرصت ها و منابع اقتصادی ضرورتاً و لزوماً به میزان توسعه یافتگی کشورها بستگی ندارد. کافی است نگاهی به رتبه کشورها در جدول بیندازید به طور مثال کشور ژاپن رتبه ۸۳ جدول را در اختیار دارد و در مقایسه با آن فیلیپین جایگاه ۴ جدول و یا کشوری مانند تانزانیا در صدر جدول است و به جز کشورهای اسکاندیناوی سایر کشورهای اروپایی که متعلق به جهان توسعه یافته هستند، رتبه های بالاتر از ۵۰ و یا بیشتر را در بررسی ها به دست آورده اند. در میان کشورهای در حال توسعه هم کشورهای خاورمیانه و عربی به جز کویت بالاتر از ۱۰۰ و جزء آخرین های جدول قرار دارند. در حالی که به طور مثال مغولستان رتبه ۲۱ و یا اوگاندا رتبه ۲۸ جدول است. (البته رتبه های درخشان کشورهای عربی و در کنار آنها ایران نه تنها در حوزه اقتصاد که در ۳ حوزه دیگر نیز مشهود است. حتی با وجود همه اظهارات افتخار آمیزی که در سال های اخیر و صد البته بدون

## می توان از وجود عرف ها و کلیشه های فرهنگی خاص در ارتباط با نقش های زنان و مردان در جوامع و یا تأکید بر ضرورت حضور زنان در برخی مشاغل خاص از موانع بسیار مهم عدم موفقیت در فعالیت اقتصادی زنان نام برد.

زنی یا دختری فعالیت اجتماعی و یا اقتصادی داشته باشد در وهله اول پرستاری و یا معلمی را برایش تعریف می کنیم. یعنی همان کلیشه های جنسیتی که بر نقش زنان و حضور آنها تأثیر گذار است. معمولاً حضور اجتماعی و اقتصادی اما کاملاً بی ضرر زنان برای حفظ منافع خانواده و البته منافع مردان ترجیح داده می شود. موضوع دیگر وجود قوانینی است که مانع بر سر راه فعالیت اقتصادی زنان است که قوانین مربوط به ارث و مالکیت خود از آن جمله اند. بحث در مورد قوانین محدود کننده یا بازدارنده بسیار مفصل است و نیازمند صرف زمانی دیگر. از دیگر موانع می توان به ترس زنان از حضور در مناصب بالا و در اختیار گرفتن پست های مدیریتی و یا عدم ریسک پذیری آنها اشاره کرد. بر اساس مطالعه ای که نتایج آن را اخیراً در یکی از کتاب های درسی انگلیسی و به طور اتفاقی مشاهده کردم و بسیار جالب بود از میان هر

۶ مردی که برای در اختیار گرفتن پست های میانی و یا تخصصی با میزان حقوق ۴۵ تا ۱۱۰ هزار دلار درخواست می دهند، یک نفر پذیرفته می شود و این رقم یک زن از هر ۴ زن است. با این وجود زنان کمتر از مردان برای این پست ها درخواست می دهند. بیشتر زنان اصلاً حتی تمایلی هم برای در اختیار گرفتن این پست ها ندارند. حتی اگر یک زن برای چنین شغلی درخواست دهد در وهله اول باید توانائی استثنائی خود را نسبت به درخواست کنندگان مرد اثبات کند در حالی که مردان با اعتماد به نفس کامل نسبت به توانائی خود این پستها را حق خود می دانند. از سوی دیگر الگوهای ثبت نام و پذیرش زنان به عنوان مدیر از سوی کارفرمایان نیز بر این عدم تمایل تأثیر گذار است یعنی بیش تر کارفرمایان ترجیح می دهند مردان را به کار بگیرند تا زنان. البته این مطالعه در اروپا که موانع عرفی و قانونی کم تری وجود دارد مشاهده شده نه در کشورهایی مانند ایران و یا کشورهای عربی که موانع قانونی و عرفی دست و پاگیر را هم بر عدم پذیرش خود زنان برای تصدی پست های مدیریتی و تخصصی باید افزود. در نهایت باید از دست اندرکاران این گزارش برای تدوین یک مطالعه جامع و دقیق در شرایطی که حتی در کشور ما در مورد نرخ مشارکت اقتصادی زنان آمار دقیق و موثقی وجود ندارد قدر دانی نمود.

گزارش فوق نشان می دهد که ما هنوز راه زیادی برای از میان بردن نابرابری جنسیتی در پیش داریم. راهی که مسلماً با وجود بی توجهی های آشکار به نیمی از جمعیت کشور به آسانی طی نخواهد شد. انگار همین دیروز بود که دولت نهم ظاهراً برای تقدیر بیشتر از سالیان طولانی خانه داری زنان لایحه کاهش ساعات شغلی را در دستور کار خود قرار داد. خدمتی دیگر به جامعه زنان! اما چطور است که در کشور سوئد با وجودی که زنان از مزایای شغلی بسیار بالایی برخوردارند اما رتبه نهم از نظر میزان برابری جنسیتی در حوزه مشارکت و فرصت های اقتصادی را دارند؟

گزارش فوق منبع بسیار خوبی برای تحقیق و مطالعه است مطالعه ای که شاید بتواند راهکارهای مناسبی را پیش روی زنان ایرانی در عرصه فعالیت اقتصادی در اختیار قرار دهد.

### پی نوشت:

ا- عوامل اقتصادی و اجتماعی موثر بر نگرش زنان نسبت به نابرابری جنسیتی، مجید موحّد، حلیمه عنایت، عباس گرگی، پژوهش زنان، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۴، ص ۹۵-۱۱۳



هیچگونه بررسی جامع نگرانه ای نسبت به رشد آمار زنان تحصیل کرده در ایران می شود باز هم ایران در امر آموزش و از میان بردن شکاف جنسیتی رتبه ۸۰ را دارد یعنی ما حتی از کشورهای عربی مانند تونس و بحرین هم در امر آموزش دخترانمان عقب تر هستیم). بنابراین تصمیم گیری در مورد این که چه عاملی را می توان از جمله علل مهم عدم موفقیت در فعالیت اقتصادی زنان حداقل در برخی کشورها مانند ایران برشمرد، شاید تا حدی دشوار باشد. اما قطعاً می توان از وجود عرف ها و کلیشه های فرهنگی خاص در ارتباط با نقش های زنان و مردان در جوامع و یا تأکید بر ضرورت حضور زنان در برخی مشاغل خاص به عنوان یکی از موانع بسیار مهم نام برد. برای اثبات آن لازم نیست راه دوری برویم. در همین خانواده های خودمان به وضوح قابل مشاهده است که حتی اگر قرار باشد